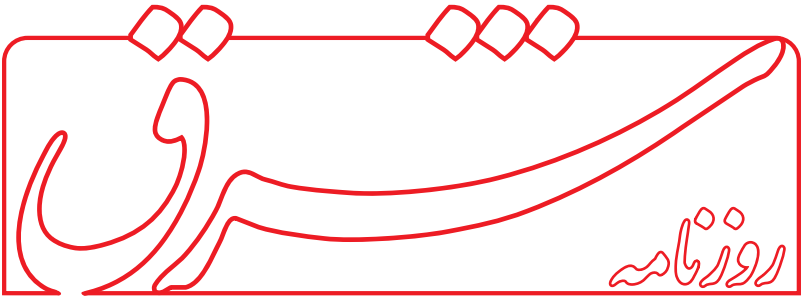




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۷۱۹ نامبر: ۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۵-۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: آذان ظهر ۱۲:۱۹ آذان مغرب ۱۷:۵۹ آذان صبح فردا ۵:۲۲ طلوع آفتاب ۶:۵۷



یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۲ | ۹ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵ | ۹ فوریه ۲۰۱۴ | سال یازدهم | شماره ۱۹۴۹ | ۱۶ صفحه



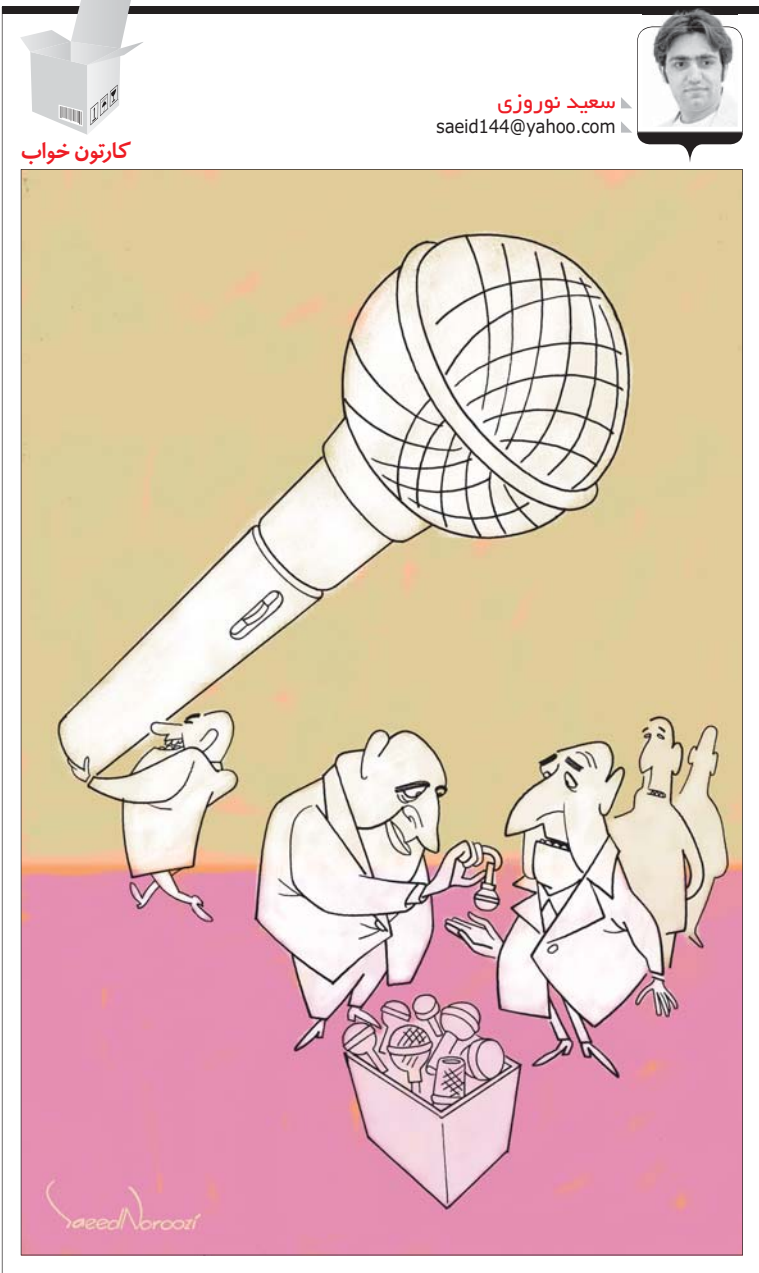
«شاهنامه، زن، مادر و کودک» منتشر شد

شرق: روزشمار «شاهنامه، زن، مادر و کودک» را موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان پس از دوسال تجربه‌اندوزی در تهیه و انتشار روزشمار کودکی، برای دوستداران ادبیات و کودکان تهیه و عرضه کرد. در این روزشمار، داستان‌هایی از شاهنامه که زن، مادر و کودک نقش دارند یا تصویرهای زیبا از نوشین صفاخو و نوشتارهای کوتاه آمده است و برجسته‌ترین چهره‌های زنانه و کودکانه در این اثر بزرگ ملی را معرفی می‌کند. همچنین اطلاعاتی درباره ریشه نام‌های سال در اختیار قرار می‌دهد.

از هر نظری ضرر

یک گزارش «زنده» از کشتی

● پورا عالمی: علیرضا رضایی، کشتی‌گیر سابقه‌دار در سمت چپ تشک دیده می‌شود. سمت راست تشک کسی نیست، حالا بقیه کی را بگیریم؟ رضایی، با نگاه نافذ به اطراف چشم دوخته و فریاد می‌زند «نفس‌کش... نفس‌کش...» نفس کسی در نمی‌آید. رضایی، این قهرمان کشتی با دوبنده رنگ‌بهرنگ، از تشک خارج می‌شود و به سمت جایگاه خبرنگاران می‌رود. خبرنگاران برایش هورررررررررر می‌کشند که یک لحظه بعد از دست رضایی هوای... می‌کشند. علیرضا رضایی دستش را می‌برد بالا تا... نه نه... چه می‌بینیم؟ دستش را برده بالا و می‌خواهد یک سیلی قایم به گوش خبرنگار روزنامه گل بنوازد که موفق نیست... خبرنگار روزنامه گل که قبلاً به‌شویه سخنگویی و ادبیات رضایی در روزنامه انتقاد کرده (به نقل از خبرآنلاین) باید به‌صورت آماده و روزریزه وارد تشک می‌شد، اما او خبرنگار است و لاجون دماغش را بگیري نفشش درمی‌رود. حالا غافلگیر شده و بدون دوبنده و لباس ورزشی، با یک جلیقه از این زیرتی‌ها بر تن، سعی می‌کند با یک لید و مقدمه جواب رضایی را با فن دختر بار سلیق و افلاک پیش‌رو بدهد اما رضایی چابک‌تر از این حرف‌هاست، جاخالی می‌دهد و با فن سگک پدر خبرنگار را درمی‌آورد. رضایی ول کن ماجرا نیست. خبرنگار تلاش می‌کند به‌خم بگیرد، اما رضایی خبرنگار بدبخت را بزکش می‌کند. خبرنگار بزک‌شده دستش به‌جایی بند نیست، اتچمن صنفی روزنامه‌نگاران ندارد برای همین با یک تیتسر سعی می‌کند تلافی کند. رضایی را دست‌کم بگیرد، بسیار چست‌وچابک، سیلی محکمی به گوش خبرنگار می‌نوازد. ضربه‌فنی... ضربه‌فنی... درود بر این پهلوان... درود بر رضایی... حالا دست رضایی را به‌عنوان پهلوان پنبه بالا می‌برند اما کمر کشتی خم می‌شود. بیابیه: خدا را صد هزار مرتبه شکر که مسوولان و مدیران اقتصادی و سیاسی کشور که در مطبوعات نقد می‌شوند، به فنون کشتی آشنا نیستند، و گر نه معلوم نبود چی می‌شد...
توصیه: یعنی پوشیدن جلیقه ضد گلوله، داشتن کلاه کاسکت برای جلوگیری از سیلی و بستن... برای خبرنگاران نتیجه کلی: خبرنگاران و روزنامه‌نگاران کتک‌خورشان ملس است.



متنوع ترین سائنامه، ارگانیایز و ست های مدیریتی
با کیفیتی کم نظیر، ابزاری کارآمد جهت ثبت و نگهداری
همراه با هدایایی زیبا و ماندگار، شایسته مدیران خلاق و خوش فکر ایرانی.

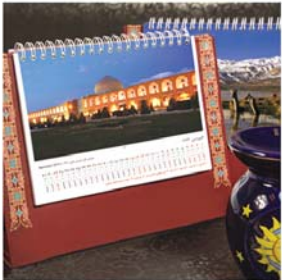


www.naghshineco.com
info@naghshineco.com

۸۸۹۱۷۱۶۱ (۱۰ خط)

سائنامه

نقشینه



نگاه

به بهانه حضور «فِرَت» در ایران محتاج بازشناسی جریان‌های تئاتر جهانی‌م



محمد چر مشیر

۱- تأثیر بومی و ملی، تنها یک پایه در آداب و سنن و ادبیات خودی دارد. پایه دیگرش را باید در تجربه‌های تئاتری جست‌وجو کرد که ابعاد آن دیگر مختص تجربه‌های خودی و اینجایی نیست، ما برای ساختن الگوهای خودی در تئاتر، نیازمند شناخت، آگاهی و اشراف بر همه آن اتفاقاتی هستیم که در جهانی بزرگ‌تر، به نام تئاتر در حال وقوع است. این آگاهی و شناخت باید به مثابه آینه‌شخور ما برای رسیدن به تئاتری باشد که در ترکیب با فرهنگ و تاریخ خودی، عاقبت به نام تئاتر این جایی و اکنونی شناخته خواهدشد.

۲- تئاتر جهان بنا بر پیشینه تاریخی خود، و گذر از قرن‌ها آزمون‌وخطا، بدل به یک جریان تعریف‌پذیر و پایات شده است. همین پیشینه و همین حرکت مدام به سوی افقی معلوم، این فهم ساده را برای تئاتر جهان به وجود آورده که تئاتر ذاتی ناچو و تحول‌گرا، و گستره‌ای به بزرگی آدمی دارد. تئاتر هنوز جوان ما، با همه تجربیات کم‌وبیش راهگشایش نداشت‌ه است خود را به مثابه یک جریان روبه جلو تثبیت کند. تئاتر ایران از آغاز موجودیت‌یافتن، مدام یک گام به پیش و دوگام به پس را تجربه کرده، و در بهترین زمان‌های خویش، چشم و پریدن را انجام داده که کمتر با پشتوانه‌های تاریخی و علمی همخوان بوده است. امروز تئاتر ایران، برای تبدیل‌شدن به یک جریان مستمر، بیش‌از هر زمان دیگر به تجربه‌های زنده و بومیای تئاتر جهان محتاج است.

۳- امروز تئاتر ایران بیش‌تر از هر زمان دیگری با نیروهای جوانی روبه‌رو است که علاقه‌مند به سوشی آغوش گشوده‌اند. این نیروهای جوان، محتاج آموزش، آگاهی و تجربه‌اند تا بتوانند از رهگذر آن، نیروی خلاقه خویش را نمایان سازند. این نیروهای زنده، بویا و مشتاق، نیازمند آشنایی با الگوهای هستند که به مثابه حافظه تاریخی و جهانی تئاتر در دو صورت گذشته و امروز به ثبت رسیده یا در جریان‌اند. این آشنایی می‌تواند مسیر خلاقه‌کشف، ابداع و زایش را برای این خیل جوان بغشاید. روند و ظرفیت آموزشی کنونی ما، با همه تلاش‌های دلسوزانه دست‌اندرکارش، جوابگوی این نیاز عاجل و مبرم نیست. باید بی‌درنگ در پی راه‌هایی بود که تئاتر امروز ما و این جوانان را، هر چه‌بیش‌تر، روزمدار و معاصر کند.

۴- تئاتر جهان، این نکته ظریف اما مهم و اساسی را

نگاه

مراسم پایانی جایزه «کتاب سال» برگزار شد

وزیر ارشاد: ما قایل به سانسور نیستیم

دنیای عیوضی: رویدادهای گاهی غافلگیرکننده است. مراسم پایانی معرفی برگزیدگان کتاب سال در تالار وحدت، یکی از آنها بود... دقیقاً انتظار برای رد شدن از چک پوینت، حضور ناگهانی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و البته معرفی تنها چهار اثر به‌عنوان برگزیدگان سال ۹۱ در حوزه کتاب، سخنان وزیر ارشاد در میان خبرنگاران هم به این غافلگیری‌های زمستانی افزود؛ آنجا که گفت: «در ایران سانسور نداریم، اما آنچه داریم قانونی است که توسط شورای انقلاب فرهنگی در حوزه کتاب و نشر به تصویب رسیده است» جنتی که پیش از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در تالار وحدت پشت تریبون رفته بود در پاسخ به سوال خبرنگاری که اشاره رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد لزوم کنار گذاشتن سانسور در حوزه کتاب را به جنتی یادآور شد، گفت: «ما قایل به سانسور نیستیم و اگر هم در این مسیر اقدامی صورت می‌گیرد مطمئناً در چارچوب قانون خواهد بود. اما در شب اهدای جایزه به برترین‌های حوزه کتاب، جمعا چهار اثر منتشرشده در سال ۹۱ توانستند برگزیده شوند و در بقیه حوزه‌ها آثار شایسته تقدیر باقی ماندند. از این چهار کتاب تنها یک کتاب یعنی التالیفات نوشته ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا تصحیح سیدحسین موسویان در حوزه فلسفه، شاه‌فلسفه اسلامی در حوزه علوم‌انسانی بود و سایر کتاب‌ها در حوزه علوم خالص و علوم کاربردی و پزشکی. کتاب شناخت گیاهان دارویی و معطر ایران تألیف ولی‌الله مظفریان و کتاب سلور ایران تیره نغناغ تألیف زیبا جبار در حوزه علوم خالص، شاه‌زیست‌شناسی (به‌طور مشترک) و کتاب دیسکوریدس؛ مبانی پزشکی و کاربرد داروهای گیاهی، جانوری، معدنی و زهرشناسی تألیف دیسکوریدس پدانیوس آنارازایی ترجمه عربی مه‌ران بن منصور بن مه‌ران و ترجمه فارسی تحقیق و بی‌نویس سیدمحمود طباطبایی و کتاب اصول نوین در پزشکی تألیف آستینون اف، روزنستیل، ما تین اف، لند، جوینی فوجوموتو، مترجم‌ان آریتا مظاهری تهرانی، سیدمهران نوربخش و آرش زربخش در حوزه علوم کاربردی، شاه‌علوم‌پزشکی توانستند حائز رتبه اول در حوزه‌های خود باشند. امسال هم مانند چند سال گذشته جایزه کتاب سال در حوزه ادبیات هیچ برگزیده نداشت و در حوزه کودک و نوجوان، تاریخ و جغرافیا و هنر

جای خالی

توطئه آقای حافظ و خانم نسیم سعادت!



سرگه بار سغیان

● ایرج پزشک‌زاد، خالق رمان به‌یادماندنی «دایی جان ناپلئون» داستان کوتاهی دارد به نام «دو گزارش به کلی سری» شرح گزارش سلاواک درباره «توطئه خانلره یک گروهک از کمونیست‌های بی‌وطن، به سرکردگی فردی به نام شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی» که پس از بازرسی نمایای رمزی در پست مرکزی کشف شد و نویسنده برای ردگم کردن، مطالب خود را به‌صورت قصیده‌ای مرموز بیان کرده بود با این مطلع: «نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی! گذر به کوی فلان کن در آن زمان که تو دانی». به دستور تیمسار ریاست سلاواک، شمس‌الدین حافظ، تحت‌الحفظ از شیراز به مرکز اعزام و به‌وسیله مقام امنیتی تحت بازجویی قرار گرفت. به‌دنبال پیگیری مأموران سلاواک، دوشیزه آموزگاری به‌نام «نسیم سعادت»، به‌علت از بر خواندن قصیده توطئه‌آمیز مذکور، مورد سوءظن و بازداشت قرار گرفت و مشخص شد که او به‌عنوان پیک به مرزهای غربی یا جنوبی اعزام شده است. در بازرسی از منزل حافظ، مدارکی به دست آمد که به‌روشنی، از عقاید کمونیستی و به‌خصوص مائویستی و حتی سفر بی‌اجازه و قاچاقی او به چین حکایت می‌کرد. آنجا که در یکی از اشعارش می‌گوید: «تا دل هره‌گرد من رفت به چین زلف او / از آن سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند». تیمسار دادستان ارتش در جریان دادرسی به اتهامات حافظ با اشاره به شعر «تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند / عرصه شرح‌نرخ رندان را مجال شاه نیست»، گفت: «الاید مجال رییس‌جمهوری خلقی دموکراتیک هست، لاید بیدقی دلس و چکش می‌خواهند بلند کنند!» دادگاه نظامی «توطئه و سوءقصده به‌منظور برهم‌زدن اساس سلطنت مشروطه را مسلم دانسته... متهم ردیف یک را به اعدام و متهم ردیف دوم را به زندان ابد محکوم می‌نماید» که در نهایت با عفو ملوکنه، مجازات حافظ با یک درجه تخفیف به حبس ابد یا اعمال شاقه تبدیل شد.

این داستان طنز البته قربنهای واقعی دارد که در خاطرات شیخ محمدتقی فلسفی به نقل از یک کتابفروش که برای تجدید چاپ دیوان حافظ به شهرپانی دوره پهلوی رفته بود، آمده است؛ گفته بودند در یک بیت که نام رضا آمده چون رضا اسم اعلیحضرت است بگذارید «حسن» این بالای است که به طنز و به‌جس سر شاعری آمد که حالا حسن روحانی از هنرمندان خواسته مقتدایشان باشد که «لوح هنر ایرانی» و به‌قول بعضی‌ها «رند روشنفکر زمان خود، بود و ناصر تقوایی، کارگردان «دایی جان ناپلئون» می‌گوید با این سانسور حوزه نشر که از مضمون خارج و کاربرد برخی از واژه‌ها ممنوع شده است، «طابق آیین‌نامه جدید حتی نمی‌توانید یک دیوان حافظ چاپ کنید»

با قول‌هایی که مسوولان وزارت ارشاد داده‌اند که ممیزی سلیقه‌ای را حذف کنند، امیدهایی زنده شده که دیگر به نویسنده‌ای نگویند به‌جای دو «فرشته» خواهر و برادر در داستانش بنویسند دو «پری»! گرچه سیدعلی صالحی همچنان ناامید است که در حوزه نشر و اداره کتاب «تنها میزها و تابلوها تغییر کرده‌اند»، اما از این حرف علی شجاعی صابین، رییس جدید اداره کتاب ارشاد به «شرق» نمی‌شود گذشت و باید به حساب یک قول گذاشت که «تلاش ما این است که به سمت اجرای کامل قانون البته با حداکثر تسامح و تسهیل به‌نفع نویسندگان پیش برویم. مگر جایی که قانون به صراحت نکتته‌ای را تصریح کرده است که ما امکان تفسیر به‌نفع نویسنده را نداشته باشیم» تفسیر به‌نفع نویسنده پیشکش، تفسیر به‌جای نویسنده نکنند خودش به اهالی قلم بهترین کمک است که در هشت‌سال قبل داستان‌های بسیاری گفته‌اند از نیت‌خوانی کارشان به‌جای واژه‌خوانی کارشان‌بازان! و گر نه حافظ‌های واقعی داستان پزشک‌زاد زیانمند برای شرح فکرکرده و نیت‌نداشته و مجوز نگرفته‌شان!

دکه

ملکیان، بازگان و یزدی در «اندیشه بویا»

● سیزدهمین شماره ماهنامه «اندیشه بویا» هم‌اکنون روی کیوسک روزنامه‌فروشی‌هاست. در شماره سیزدهم یا گوشه‌های دیگری از زندگی مهندس بازگان آشنا می‌شویم. «مصطفی ملکیان»، استاد اخلاق و معنویت نیز در این شماره ماهنامه یادداشتی دارد با تیترا «اخلاق امداد اجتماعی». همچنین گفت‌وویی با ابراهیم یزدی صورت گرفته است. در صفحات «تاریخ معاصر» نیز پرونده‌ای به بهانه سالگرد تروور «احمد مسعود» ترتیب داده شده است. پرونده دیگر این شماره ماهنامه «اندیشه بویا»، «اخلاق و زندگی روزمره» است که مرتضی مردی‌ها، سعید جباریان، آرش نراقی و... در آن مقالاتی دارند. در صفحات پایانی شماره سیزدهم این نشریه می‌توانید گفت‌وویی که با «ایدا شاملو» درباره دوران سردبیری «شاملو» در مجله «خوشه» صورت گرفته را نیز بخوانید.